

پرسش ۱۵۹: تفسیر سوره‌ی عصر از نگاهی دیگر.

سؤال / ۱۵۹: في (المتشابهات) في تفسير سورة العصر، قلت: (إن الإنسان علي بن أبي طالب (عليه السلام)، وهو في خسر نسبةً إلى رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم)، ولكن كيف يستثنى الذين آمنوا، وهذا يشعر أنهم أفضل من علي (عليه السلام) بحسب ما بينت أنت؟!)

در کتاب متشابهات در تفسیر سوره‌ی عصر شما فرموده‌ای: (انسان، علی بن ابی طالب (علیه السلام) است و او در قیاس با پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در زیان و خسران می‌باشد). حال چگونه کسانی که ایمان آورده‌اند استثنا می‌شوند، در حالی که از آنچه شما بیان داشته‌ای، چنین برداشت می‌شود که آنها از علی (علیه السلام) برتر می‌باشند؟!)

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين
القرآن كله في الفاتحة، والفاتحة في البسمة، والبسمة في الباء والباء في
النقطة [496]. أي أن القرآن كلما ارتقينا إلى الله سبحانه وتعالى قل تفصيله؛ لقلة
الجزئيات والمتنافيات كلما ارتقت العوالم الملكوتية، حتى تصل إلى النور والكلديات
فيكون القرآن نوراً كلياً.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و
سلم تسليماً.

قرآن جملگی در فاتحه است و فاتحه در بسمله، و بسمله در (با) و (با) در نقطه؛
[497] یعنی هر چه بیشتر به سوی خداوند سبحان و متعال ارتقا یابیم، تفصیل قرآن

کمتر می‌شود؛ و این به جهت کم شدن جزئیات و ناسازگاری‌ها می‌باشد، که هر چه در عوالم ملکوتی بیشتر ارتقا یابی تا آنکه به نور و کلیات برسی و قرآن نوری کلی گردد.

وما بینته عن سورة (والعصر) هو في مرتبة عالية من القرآن، حيث لا وجود لغير محمد وعلي وفاطمة (عليهم السلام) - وعلي وفاطمة عليهما السلام نور واحد - فلا وجود لغيرهم، فيكون تمام السورة في ذلك العالم هو: (وَالْعَصْرِ * إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ) [498]، هذه هي سورة العصر في ذلك العالم العلوي، فلا وجود لبقية السورة في ذلك العالم، وهو: (إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ) [499] ليكون لهذا الاعتراض وجه.

آنچه در تفسیر سوره‌ی والعصر بیان داشتیم، در مرتبه‌ی عالی از قرآن بود؛ یعنی در جایی که غیر از محمد، علی و فاطمه (علیهم السلام) وجود دیگری در کار نیست؛ علی و فاطمه (علیها السلام) نور یکسان هستند، پس غیر از آنها وجود دیگری نیست. پس تمام سوره در آن عالم چنین می‌شود: (سوگند به این زمان، * که انسان در خسران است) [500]؛ این سوره‌ی عصر در آن عالم علوی (بالا) می‌باشد، و در آن عالم، باقی سوره که عبارت است از (مگر آنها که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند و یکدیگر را به حق سفارش کردند و یکدیگر را به صبر سفارش کردند) [501]، هیچ موجودیتی ندارد، تا به این ترتیب محلی برای چنین اعتراضی وجود داشته باشد.

أما في هذا العالم، فالإنسان هو جنس الإنسان، أي إن الإنسان بسبب وجوده في العالم الجسماني في خسر وتسافل، إلا إذا آمن بولي الله في زمانه وعمل معه (إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ).

اما در این عالم، منظور از انسان، جنس انسان می‌باشد؛ یعنی انسان به سبب وجودش در عالم جسمانی، در خسران و پستی است مگر آنگاه که به ولی خدا در زمانش ایمان آورد و به همراه او عمل نماید: (مگر آنها که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند و یکدیگر را به حق سفارش کردند و یکدیگر را به صبر سفارش کردند).



[496] - عن أمير المؤمنين (عليه السلام): (إن علوم الكون كلها في القرآن، وعلوم القرآن كلها في السبع المثاني، وعلوم السبع المثاني في البسمة، وعلوم البسمة في النقطة، وأنا تلك النقطة) الأربعون حديثاً للشيخ إبراهيم الخوئي : ص 231.

[497] - حدیثی از امیر المؤمنین ع روایت شده است: (علوم هستی، جملگی در قرآن است و تمام علوم قرآن در سبع مثانی (فاتحه) و علوم سبع مثانی در بسمله و علوم بسمله در نقطه است و من آن نقطه هستم). چهل حدیث شیخ ابراهیم خویی: ص 231.

[498] - العصر : 1 - 2.

[499] - العصر : 3.

[500] - عصر: 1 و 2.

[501] - عصر: 3.